

پایه :	۱۰	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۴	ساعت :	۱۶

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: کفایه الاصول، از نهایى تا المقصد السابع اصول العمليّة

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. الظاهر أنّ النهی بمادّته وصیغته يدلّ علی ... أ ۱۸۲
- أ. الطلب و متعلّقه مجرد الترك
- ب. الطلب و متعلّقه الكفّ
- ج. الزجر المتعلّق بمجرّد أن يفعل
- د. الزجر المتعلّق بحثّ النفس علی الفعل
۲. لا یكاد یمكن أن یؤخذ د ۳۰۷
- أ. القطع بمرتبة من الحكم فی موضوع مرتبة اخرى من ضده
- ب. الظن بالحكم فی موضوع ضده
- ج. القطع بمرتبة من الحكم فی موضوع مرتبة اخرى من نفسه
- د. الظن بالحكم فی موضوع نفسه
۳. به نظر مصنف کدام گزینه صحیح است؟ د ۲۵۴
- أ. إنّ دلالة العام علی كلّ فرد من أفرادها غیر منوطه بدلالته علی فرد آخر
- ب. إن ارادة الخصوص واقعا من العام تستلزم استعماله فيه
- ج. أنّ المخصّص المتصل یوجب استعمال لفظ الكلّ فی الخصوص ولا یوجب مجازيته
- د. لا شبهة فی أنّ العام المخصّص بالمنفصل حجة فیما احتمل دخوله فی المخصّص
۴. به نظر مصنف، مراد از «رأی» در روایات ناهیه از «تفسیر به رأی» چیست؟ ب ۳۲۷
- أ. قیاس
- ب. اعتبارات ظنی بدون اعتبار
- ج. استحسانات شخصی
- د. عمل به ظاهر بدون مراجعه به اهل البیت (علیهم السلام)

سؤالات تشریحی:

- * وأمّا احتمال أنّ منجزية العلم الاجمالي بنحو الاقتضاء بالنسبة الى لزوم الموافقة القطعية وبنحو العلیة بالنسبة الى لزوم الموافقة الاحتمالية وترك المخالفة القطعية ضعيف جداً؛ ضرورة أنّ احتمال ثبوت المتناقضين كالقطع بثبوتها فی الاستحالة، فلا یكون عدم القطع بذلك معها موجباً لجواز الإذن فی الإقتحام، بل لو صحّ الإذن فی المخالفة الاحتمالیّة، صحّ فی القطعیّة أيضاً. ۳۱۴
۱. اشکال صاحب کفایه بر تفصیل مذکور را بیان کنید.

نمی توان قائل شد علم اجمالی مقتضی لزوم موافقت قطعیه و علت تامه موافقت احتمالیه و حرمت مخالفت قطعیه است؛ زیرا اگر علم اجمالی، علت تامه موافقت قطعیه نباشد، پس انجام یکی از طرفین عقلاً بلا اشکال است و در همین طرف، احتمال انطباق واقع را می دهیم پس محتمل است که دو حکم متنافی با هم جمع شده باشند و همان طور که قطع به وجود دو حکم مخالف محال است احتمال اجتماع دو حکم متناقض نیز محال است. بنا بر این، اگر مخالفت احتمالیه جایز باشد مخالفت قطعیه نیز می تواند جایز باشد.

- * وأمّا دلالة الجمع المعرفّ باللام علی العموم مع عدم دلالة المدخول علیه فلا دلالة فیها علی أنّها تكون لأجل دلالة اللام علی التعین حیث لا تعین الآ للمرتبة المستغرقة لجميع الأفراد، وذلك لتعین المرتبة الاخری وهی أقلّ مراتب الجمع وإنّ أبيت الآ عن استناد الدلالة علیه الیه فلا محیص عن دلالته علی الاستغراق بلا توسیط الدلالة علی التعین فلا یكون بسببه تعریف الآ لفظاً. ۲۸۵ سخت
۲. عبارت را توضیح دهید.

از اینکه جمع محلی به لام دلالت بر استغراق و عموم می‌کند و اینکه خود صیغه جمع دلالت بر استغراق جمیع افراد نمی‌کند لازم نمی‌آید که بگوئیم افاده عموم به خاطر این است که لام دال بر تعین است و تنها آن مرتبه از عام که شامل جمیع افراد می‌شود تعین دارد و به همین خاطر عموم و استیعاب، از جمع محلی به لام استفاده می‌شود. علت عدم ملازمه فوق این است که در اقل مراتب جمع که عدد سه می‌باشد نیز تعین حاصل است بنا بر این اگر اصرار شود بر این که فقط خود لام است که دال بر استغراق و عموم است چاره‌ای نداریم از اینکه قائل شویم خود لام مستقیماً برای عموم وضع شده است و هیچ دلالتی بر تعین و تعریف ندارد که نتیجه این سخن این است که تعریف در جمع محلی به لام تعریف لفظی است نه حقیقی.

* و يمكن اثبات الاتحاد بين المشافهين وغيرهم و عدم دخل ما كان البالغ الآن فاقداً له مما كان المشافهون و اجدین له باطلاق الخطاب اليهم من دون التقييد به و كونهم كذلك لا يوجب صحة الاطلاق مع ارادة المقيد معه فيما يمكن أن يتطرقَّ الفقدان و ان صح فيما لا يتطرق اليه ذلك. ۲۷۰ سخت ۳. عبارت را توضیح دهید.

اگر بخواهیم با قاعده اشتراک حکم ثابت برای مشافهین را به غیر مشافهین تسری دهیم باید احراز کنیم غیر مشافهین با مشافهین اتحاد در صنف دارند و آنچه غیر مشافه فاقد آنست دخالتی در حکم نداشته است برای اثبات اتحاد می‌توان به اطلاق خطاب تمسک کرد و اگر گفته شود قیدی که در مشافهین بوده است مثل مصاحبة النبی دخالت در حکم داشته است لکن به جهت وجود آن قید، نیازی به تقييد خطاب نبوده است پس نمی‌توان به اطلاق تمسک کرد؛ می‌گوییم این حرف در مورد قیدی که احتمال عروض عدم در آن نمی‌رود صحیح است لکن نسبت به قیدی که احتمال عروض عدم در آن می‌رود صحیح نیست و باید در خطاب بیان شود.

* إن عقاب المتجرى إنما يكون على قصد العصيان والعزم على الطغيان، إن قلت: إن القصد والعزم إنما يكون من مبادئ الاختيار وهي ليست باختيارية والآ لتسلسل. قلت: إن الاختيار وإن لم يكن بالاختيار، إلا أن بعض مبادئه غالباً يكون وجوده بالاختيار، للتمكن من عدمه بالتأمل فيما يترتب على ما عزم عليه من تبعة العقوبة واللوم والمذمة. ۳۰۰ آسان ۴. پاسخ مصنف به اشکال را توضیح دهید.

جواب مرحوم آخوند این است که خود اختیار اگرچه امر اختیاری نیست ولی وجود بعضی از مبادی آن امر اختیاری است، زیرا مکلف می‌تواند با تفکر و تأمل در ملامت و عقابی که بر آنچه اراده کرده مترتب می‌شود از موجود شدن آنها جلوگیری کند.

* فقد توهم ان غائلة استحالة اجتماع الأمر والنهي ترتفع بكون الأحكام تتعلق بالطابع، لأن الطابع من حيث هي و ان كانت ليست الآ هي ولا تتعلق بها الاحكام الشرعية الا انها مقيدة بالوجود بحيث كان القيد خارجاً والتقييد داخلياً صالحاً لتعلق الأحكام بها ومتعلقاً الأمر والنهي على هذا لا يكونان متحدين اصلاً لا في مقام تعلق البعث والزجر لتعددتهما بما هما متعلقان لهما ولا في مقام الإطاعة والعصيان لسقوط احدهما بالإطاعة والآخر بالعصيان. ۱۹۵ ۵. توهم فوق را بیان کنید.

توهم این است که اگر قائل به تعلق احکام به طابع بشویم محذور اجتماع امر و نهی مرتفع می‌شود زیرا، گرچه حصه‌ای از طبیعت که مقید به قید وجود است متعلق احکام شرعی می‌باشد لکن محذور که اتحاد متعلق امر و نهی است برطرف می‌شود زیرا خود وجود داخل متعلق نیست بنا بر این متعلق امر و نهی هم در مقام بعث و زجر متعدد است و به دو طبیعت تعلق گرفته است و هم در مقام اطاعت و عصیان.

* ثم إنه ربما يتمسك للدلالة على المفهوم باطلاق الشرط بتقريب أنه لو لم يكن بمنحصر يلزم تقييده ضرورة أنه لو قارنه أو سبقه الآخر لما أئثر وحده وقضية اطلاقه أنه يؤثر كذلك مطلقاً. ۲۳۳ فنی ۶. با توجه به عبارت، استدلال بر ثبوت مفهوم شرط را بنویسید.

وجه استدلال این است که شرط در جمله شرطیه مطلق ذکر شده است در صورتی که اگر قبل از آن و یا مقارن با آن چیز دیگری به عنوان مؤثر در تحقق جزاء وجود داشته باشد دیگر این سبب منحصر نخواهد بود در حالی که ظاهر اطلاق سببیت انحصاری است لذا باید آن مؤثر دیگر ذکر می‌شد در حالیکه ذکر نشده و به آن عطف نشده است این امر موجب می‌شود که ظهور در انحصار علیت شرط برای جزاء محقق شود.

* یشکل الاستدلال بآیه النبأ علی حجیة خبر الواحد بآنه لیس لها هاهنا مفهوم ولو سئل أن أمثالها ظاهرة فی المفهوم، لأنّ التعلیل بإصابة القوم بالجهاالة المشترك بین المفهوم والمنطوق یكون قرینةً علی أنه لیس لها مفهوم. ۳۴۰ فی

۷. اشکال مذکور در عبارت را توضیح دهید.

مقصود از عبارت این است که این جمله شرطیه ای که در آیه است، مفهوم ندارد و لو این که امثال این جمله در موارد دیگر مفهوم داشته باشد، چون در آیه قرینه وجود دارد بر عدم مفهوم و آن قرینه تعلیلی است که در آیه آمده است، و این تعلیل وجوب تبیین را تعمیم می‌دهد به همه موارد عدم حصول علم از خبر، و معلوم می‌شود که معیار در وجوب تبیین عدم علم است چه خبر عادل باشد یا خبر فاسق.

* فی مثل «إذا بلیت فتوضاً» و «إذا نمت فتوضاً» لا بدّ علی القول بالتداخل من التصرف فیہ: إمّا بالالتزام بعدم دلالتها فی هذا الحال علی الحدوث عند الحدوث بل علی مجرد الثبوت. أو الالتزام بكون متعلّق الجزاء وإن كان واحداً صورة إلاّ أنّه حقائق متعدّدة متصادقة علی واحد. ۲۴۰

۸. وجه جمع بین دو مثال را بنا بر قول به تداخل توضیح دهید.

در مواردی که شرط متعدّد ولی جزاء واحد است و قائل به تداخل باشیم باید به یکی از دو نحو، تصرف کنیم یا قائل شویم جمله شرطیه در این موارد دلالت بر حدوث عند الحدوث نمی‌کند تا با حدوث هر شرطی یک جزاء لازم آید بلکه تنها بر ثبوت عند حدوث شرط دلالت می‌کند و یا این که متعلق جزاء یعنی وضو را اگرچه به صورت ظاهر متعدد می‌دانیم ولی در واقع با هر شرط یک حقیقت پدید می‌آید که در ضمن وجود واحد محقق می‌شوند.

۹. آیا به نظر مصنف «کلّ شیء حلال حتی تعرف أنّه حرام» مفهوم دارد؟ چرا؟ (کاملاً توضیح دهید) ۲۴۶

والتحقیق أنّه إذا كانت الغایة بحسب القواعد العربیة قیداً للحکم كانت دالّةً علی ارتفاعه عند حصولها، لانسباق ذلك منها كما لا یخفی، و كونه قضیة تقییده بها، وإلاّ لما كانت ما جعل غایة له بغایة.